

ضرورت تصریح نظام اقتصادی جمهوری

اسلامی ایران در قانون اساسی

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی است که پس از انتشار پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظر اصولی خود را درباره این قانون اعلام کرد. این حزب در عین حال نخستین سازمان سیاسی است که خطوط عمده نظرات اصلاحی خود را طی نامه سرگشادهای در معرض قضاوت دولت موقت و افکار عمومی قرار داد. و این از جانب کمینترین و بایدترین حزبی که پیوسته در راه استقلال و آزادی میهن عزیزما ایران و در راه احقاق حقوق اکثریت ستمدیده مردم، در یک کلام علیه امپریالیسم جهانی و عمال داخلی آن و در راه حقوق و آزادیهای دموکراتیک مبارزه میکند. امان کرده و هزارها قربانی داده است، امری است که کاملاً طبیعی و قابل درک، در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران فقط به موارد و مسائل عمدهای که بنظر حزب توده ایران، تصریح آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضرورت جانی دارد، اشاره شده است، اینها مسائلی هستند که هدفهای عمده انقلاب بزرگ مردم قهرمان ایران را تشکیل میدهند و اکنون که مرحله اول انقلاب، یعنی مرحله تخریب و گویندگی به پیروزیهای چشمگیر رسیده و دوران سازندگی و آغاز گردیده است، این هدفها باید بشماره دستاوردهای عمده انقلاب در قانون اساسی، یا قانون قانونها، از لحاظ حقوقی تثبیت گردد، تا راهنمایی برای ابتکار و سازندگی مردم ایران، رهنمودی برای وظایف دولتهائی که بر سر کار میآیند، تضمینی برای پیشگیری از انحراف از هدفها و آرمانهای والای انقلاب و تکیه گاهی قضائی برای مبارزه با دشمنان انقلاب باشد.

مادراینجا به تشریح بخشی اول اصلاحات پیشنهادی حزب، که در واقع شاخص و تعیین کننده نظام اقتصادی اجتماعی جامعه است که تمام مبارزان اصیل و راستین انقلاب بنیانگذاری آنرا در شرایط کنونی هدف خود قرار داده بودند، پردازیم. تصریح و تثبیت نظام اقتصادی در قانون اساسی ضرورت جانی دارد. این ضرورت از آنجا ناشی میشود که هدف انقلاب ایران، ایجاد یک جامعه توحیدی، یعنی جامعهای که بتدریج باید به وحدت مادی و معنوی برسد و استثمار فرد از فرد در آن برافند، اعلام شده است. و بطوریکه تجربه زلزدگی طی قرون و اعصار نشان داده، پراکندگی مادی و معنوی و وجود استثمار و استثمار از چگونگی نظام اقتصادی-اجتماعی ناشی میشود. اگر نظام اقتصادی راه را بر تمرکز و تکلیف بربند و بار ثروت در دست عده معدودی هموار سازد، این امر باعث تمرکز قدرت (اعم از قدرت سیاسی، نظامی، امنیتی و...) در دست این عده قلیل خواهد شد. با افزایش تراکم زر و زور در یک قطب، فقر و استثمار در قطب دیگر با تضاد هندسی افزایش خواهد یافت و انقلاب از هدف اصلی خود، یعنی ایجاد جامعه توحیدی، منحرف خواهد شد. به همین دلیل حزب توده ایران بیان صریح و دقیق آن نظام اقتصادی را که راهگشا و زمینه ساز برای نیل به آرمان توحیدی جامعه ما است، در قانون اساسی ضرورت جانی میداند. این نظام، بطوریکه در پیشنهاد اصلاحی آمده است، از لحاظ اقتصادی، یا دقیق تر از نظر چگونگی و شکل مالکیت بر سه ستون یا سه پایه استوار است: ۱- مالکیت دولتی یا مالکیت عموم خلق، که بر پایه آن بخش دولتی بوجود میآید؛ ۲- مالکیت تعاونی یا مالکیت گروهی، که بر پایه آن بخش تعاونی ایجاد میگردد؛ ۳- مالکیت خصوصی یا مالکیت فردی، که بر پایه آن بخش خصوصی تشکیل میشود.

بقیه در صفحه ۴

به یاد رفیق شهید هوشنگ تیرابی



روز پنجشنبه هفتم تیرماه ۱۳۵۸، ساعت ۶/۵ بعد از ظهر در زمین چمن دانشگاه صنعتی سراسمی بمناسبت ششمین سالروز شهادت قهرمان سوده‌ای، هوشنگ تیرابی برگزار خواهد شد. از همه اعضا، هواداران و دوستداران حزب و از همه عناصر میهن پرست، آزادیخواه و مترقی دعوت میشود که در این مراسم شرکت کنند. دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در صفحات بعد:

- چه محافل شاه مخلوع را به صحنه می آورند و هدفشان چیست؟ صفحه ۶
- استقلال ایران ایجاب میکند که قرارداد ۲ جانبه نظامی با آمریکا فوراً لغو گردد. صفحه ۴
- محور مرکزی داوری درباره افراد و جمعیتها... صفحه ۲
- افسانه «نه شرق و نه غرب»... صفحه ۶
- ۲ برداشت متناقض از مسأله مهم نقش ارتش و نحوه نوسازی آن... صفحه ۳



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۱
دوشنبه ۲۹ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

قطعنامه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، جریان مصاحبه رفیق ایرج اسکندری را با مجله تهران-مصور (مورخ ۲۵ خرداد و اول تیر ۱۳۵۸) مورد بررسی قرار داد و به اتفاق آراء به نتایج زیرین رسید:

- ۱- نوشته مجله تهران-مصور، که بنام مصاحبه با رفیق ایرج اسکندری انتشار یافته، حاوی مطالبی است متناقض با سیاست حزب، تحریفی است در تاریخ حزب و جنبش انقلابی ایران، توطئه‌ای است برای پائین آوردن حیثیت و اعتبار حزب ما.
- ۲- رفیق اسکندری در مصاحبه‌ای که با روزنامه مردم کرده است. در مورد این تحریفات موضعگیری روشن خود را بیان خواهد کرد.

مصاحبه «مردم» با رفیق ایرج اسکندری

روزنامه «مردم» برای روشن ساختن تحریفات مجله تهران-مصور، مصاحبه‌ای با رفیق ایرج اسکندری بعمل آورد، که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

س- در مورد اتهام وابستگی که به حزب توده ایران زده میشود، نظر شما چیست؟

ج- این ادعا از بنیاد نادرست و مغرضانه است. اتهام وابستگی حزب ما به اتحاد شوروی تازگی ندارد. این تهمت است که به همه احزاب طبقه کارگر در جهات از طرف ارتجاع و امپریالیسم زده میشود و برای حزب ما هم نوبت نیست. اتهام وابستگی بر اساس منطقات استوار شده است که خصلت انترناسیونالیستی حزب طبقه کارگر را با تبعیت از حزب یا دولتهای سوسیالیستی مخلوط میسازد و چنین وانمود میکند که گویا ابراز همبستگی برادرانه و متقابل نوعی وابستگی به سیاست حزب یا دولت دیگر است.

بر اساس این منطقات است که دائماً از جانب دشمنان و مخالفان حزب، خصلت مستقل و ملی حزب توده ایران نفی میشود. اصولاً وحدت ایدئولوژی موجب هم‌فکری در یک رشته

بقیه در صفحه ۴

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی است که درباره پیش نویس قانون اساسی اظهار نظر کرده.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، اصلاحات مورد پیشنهاد خود را درباره پیش نویس قانون اساسی، در تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۸، کتاباً و رسماً به اطلاع نخست‌وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران رساند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران اظهار نظر خود را درباره

دشواری های شگرف سالم سازی جامعه ما

بسوی کدام راه رشد؟
باتکاء کدام نیروی اجتماعی؟

رژیم استبدادی و دست نشانده محمدرضا پهلوی و پدرش رضا پهلوی ارتبه شکنی برای جامعه و سران انقلاب باقی نگذاشته است. گرانباری و نحوست این ارتبه بویژه طی بیست و پنجسال اخیر حکومت سلطنتی - فاشیستی و نواستعماری محمدرضا پهلوی برآب و برآب بیشتر از گذشته شده است. انقلابیونی که این رژیم را با مهورت نسبی برانداختند، اینک برای نوسازی جامعه، سالم سازی اقتصاد و سیاست جامعه، پادشاههای نظامی روبرو هستند تا سرانجام قادر شوند تثبیت ثبوتی بسود اکثریت محروم جامعه پدید آورند. اینکار به تلاش نه فقط عظیم، بلکه فوق العاده سنجیده‌ای نیازمند است. اینکار روندی است پرفراز و نشیب که هنوز باید از مراحل و مدارج مختلف قشر بندی و نیروهای درونی بگذرد.

از آنجا که جامعه ایران در زمان پهلوی در مسیری یکلی ناسدست میرفت، یعنی در مسیر ضد ملی و ضد دموکراتیک، و اکنون باید به مسیر متقابل آن، یعنی به مسیر ملی و دموکراتیک منتقل شود، حتی در صورتی که نیروهای صالح برای عمل، اهم امور را در دست بگیرند، باز ناسنجیدگی و شتاب کاری نمی‌تواند بقیه در صفحه ۴

اصول سیاست خارجی دولت موقت ناروشن است

سیاست خارجی را «حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و ایجاد دوستی با تمام کشورها در جامعه بشری» و نیز «توسعه کشور» اعلام می‌دارد. کدر همین صحت، ناقص است. ناقص است، بدلیل اینکه دوستی با تمام کشورها می‌بایستی بر اساس برابری حقوق، احتیاط متقابل و سود متقابل باشد و الا رژیم پهلوی هم با ایالات متحده آمریکا «دوست» بود. ناقص است، همچنین بدلیل اینکه، ذکر این مبنای و هدفهای بسیار مهمی، مثلاً نظیر صلح، صلح منطقه‌ای و جهانی نشده است.

پس از بیان مبنای و هدفهای سیاست خارجی، آقای دکتر یزدی سه اصل مبتنی بر این مبنای و برای رسیدن باین هدفها ذکر می‌کند:

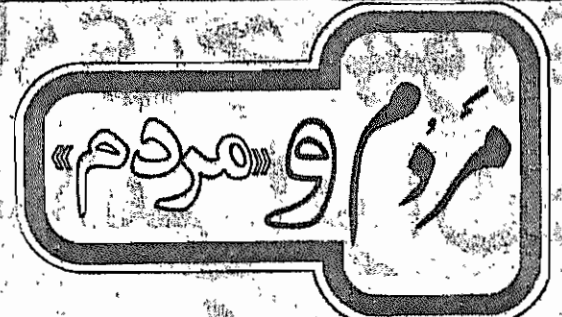
اصل اول، سیاست خارجی مستقل، عدم تمهد

آقای دکتر یزدی، وزیر امور خارجه، طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری پارس، که در شماره ۲۶ خرداد روزنامه‌ها نیز انتشار یافت، کوشش کرده است که مبنای و اصول سیاست خارجی دولت موقت را برشمرد.

این کوشش به نظر ما نافع است، بدو دلیل، اول اینکه مبنای و اصول سیاست خارجی ایران می‌بایستی رسماً تدوین و از جانب مراجع صلاحیت‌دار تصویب و منتشر گردد. چنین اقدامی هنوز انجام نگرفته است. دوم اینکه، بنظر ما هر چند خود آقای وزیر امور خارجه نسبت به مبنای و اصولی که می‌بایستی ناشی از ماهیت انقلاب پیرزمنده ایران باشد، تصور روشنی ندارد و یا از این دیدگاه به سیاست خارجی نمی‌نگرد.

ابتدا وزیر امور خارجه مبنای و هدفهای

بقیه در صفحه ۵



محور مرکزی داوری در باره افراد و جمعیت‌ها

موضوع گیری اجتماعی و تاریخی اساس است نه حسن نیت یا دعاوی پرطنین یا مختصات فرعی دیگر

آلنی در دست بهره کسان برای آزاد انقلابیون واقعی است. در اینجا تفاوت عینی و ذهنی مطرح است، ذهنی، یعنی آنچه که در ضمیر و آگاهی شما می‌گذرد و شما آنطور فکر می‌کنید، آنطور تصویر می‌کنید، عینی، یعنی آنچه که مستقل از اراده و اندیشه شما، در سیلاب جوشان و پرتوان تاریخی، بسوی مجموعه قوانین تکاملی آن می‌طلبد، می‌رود و باید بر طبق به ذهنیات شما ندارد. ذهنیات شخص تنها جوی باریکی است که در این شط خروشنده فرو می‌ریزد و ابتدا قادر نیست مسیر این شطرا آب تعیین کند.

بهمین جهت شخص از جهت سیاسی، با طرف باشد یا بپس طرف، در متن باشد یا در حاشیه، بناچار منشاء عمل اجتماعی معینی است که از آن تصور دلخواهی در ذهن خود دارد، از خودش را می‌داند. برای عملش توجه‌های فلسفی می‌تواند. ولی باید دید که واقعا این انسان، با مجموعه عملش افزای کدام یک از جنبه‌های نیرومند و تاریخی است؟ توجه گری و فلسفه او، مطلب را حل نمی‌کند. مطلب زمانی حل می‌شود که ما بپیوستیم در جامعه چه نبردی می‌گذرد و ما در این نبرد چه کاره ایم، چگونه وظایف انسانی و ایرانی خود را انجام می‌دهیم، بکدامین سو می‌رویم، با که هستیم و با که نیستیم؟ چرا هستیم و چرا نیستیم؟

این موضع گیری مطلبی است مشخص، درازمنه و امکانه مختلف، موضع گیری بسود حق، مختلف است. اگر شما عضو جامعه شوروی هستید موضع بسود حق (یعنی بسود تکامل تمام - اجتماعی) طوری است و اگر عضو جامعه امریکا هستید، این موضع طور دیگری، اگر در ایران دوران مشروطیت بودید، این موضع گیری طوری بود، اگر در ایران دوران کبونی هستید، این موضع گیری طور دیگری.

تمام اشکال در این تشخیص است که تنها و تنها از طریق تحلیل علمی (وضع جهان در وضع ایران) می‌توان بدان رسید. ما افراد را از جهت مورد بررسی قرار می‌دهیم، ابتدا و مقدم بر همه از جهت موضع گیری سیاسی - اجتماعی آن فرد سپس از جهت مختصات فردی انسانی او.

البته برای ما مختصات فردی و انسانی ابتدا بی تفاوت نیست. ما میدانیم که در موضع گیری‌های مختلف سیاسی، می‌توان با انسانهای صدیق و شریف برخورد کرد. ولی ما میدانیم که این انسانهای صدیق و شریف، اگر در موضع باطل اجتماعی قرار گرفتند، اگر بموقع خود را از کمزری نرها نهند، بهمراه هم صفان و هم مردگان خود، به اعمال نادرست و تضادهای نادرست و گناه بسیار منفی مجبور میشوند. بهمین جهت است که در آغاز مقاله گفتیم، محور مرکزی داوری درباره افراد و جمعیت‌ها، مبنای سیاسی و اجتماعی آنهاست، نه حسن نیت و یا صداقت، امری که بخودی خود در حد خود با ارزش است و نباید آنرا نادیده گرفت.

محور مرکزی داوری درباره افراد و جمعیت‌ها - مبنی سیاسی اجتماعی آنهاست، نه حسن نیت و صداقت آنها.

حسن نیت و صداقت صفات مثبت و ضروری است، ولی اگر این حسن نیت و صداقت با انتخاب راه درست اجتماعی، سمت گیری درست تاریخی، جانب‌داری از نیروهای که نقش آنها از جهت تاریخاً مشخص، نقش مترقی و مثبتی است، مبارزه با نیروهای که نقش آنها از جهت تاریخاً مشخص نقش ارتجاعی و منفی است، همراه نباشد، نه فقط سود نمی‌رساند، بلکه بیشتر مایه گمراهی میشود.

در دادرسی چنانکه کارکنان اجتماعی (مسئولان دادرسی نونبرک) یا حتی دادرسی‌های پس از انقلاب اخیر در ایران، اگر چه بندرت، به افرادی برخورد میکنند که تصور میکنند دارند به «مهربان» و «بی‌شمار» خدمت می‌کنند و زمانی از خواب گران بیدار باطل خود بیدار شده‌اند، که دیگر درین بود. آنها علی‌رغم باور خود، در کشتی نادرستی نشسته و به ساحل لغت و تکتب رسیده‌اند.

منظور از مبنی اجتماعی سیاسی آنست که ما در عمل اجتماعی خود (حتی اگر بپس طرف) هم باشیم، مجال است که فاقد عمل اجتماعی باشیم) در کدام سمت قرار داریم؟ با که هستیم؟ چه چیزی برای جامعه می‌خواهیم؟ خواستار خیر کدامیک از طبقات جامعه هستیم؟ در عرصه جهانی می‌خواهیم یا که باشیم؟

اکنون جهان را اجتماعات جداگانه هر کشور، که دارای نظام طبقاتی است، تقسیم شده است. اردوگاه امپریالیسم و اردوگاه ضد امپریالیسم در عرصه جهان، انبوه زحمتکشان بهره ده و قشرهای ممتاز بهره کش در عرصه جوامع سرمایه داری از نوع جامعه ما، مرزهای عمده این تقسیم هستند. ما با امپریالیسم هستیم یا با ضد امپریالیسم؟ با بهره دهان هستیم یا با بهره کشان؟ و آیا در هر مورد، آن خط محکم و صحیح را، که مارا، «آهسته، آهسته»، از درون این جبهه بدرون آن جبهه نقلزاند، گزین کرده‌ایم؟

ای چه بسا که شخصی (مانند برخی «سوسیال دموکرات‌های اروپای غربی») تصور می‌کند، راه مبارزه با بهره کشی را بر گزیده، ولی عمل اجتماعی بطور عمده به تثبیت نظام بهره کشی کمک می‌کند. یا مسانند آنارشیست‌های نو و کهنه تصور می‌کنند که «انقلابی ترین» و «شعله ورترین» شماره را علیه نظام ستم و غارت انتخاب کرده، ولی در آخرین تحلیل

نامه‌هایی که به «مردم» می‌رسد، نشانه توجه کامل و دقیق خوانندگان ما بمطالب مندرجه است. در این بسیار باعث خوشوقتی است، چرا که ما شاهدیم مردم با چه حس مسئولیت و با چه برخورد جدی و دقیقی «مردم» را مطالعه میکنند و بحق از آن می‌خواهند که هر چه کمتر اشتباه کند، هر چه دقیقتر بنویسد، اخبارش هر چه موثق‌تر باشد و غلط چاپی هم هر چه کمتر داشته باشد. زیرا که بنویشته یکی از دوستان: «هیچ کس روی کلمه به کلمه «مردم» حساب نمیکند، درست برای شناختن و دانستن و دشمن بسرای خرده گیری و نفاق افکنی».

در دوسمی در نامه خود تذکر می‌دهد که، خبر شماره ۲۳ «مردم» در اداره شرکت مناقسه کار دقیق نیست، باین معنا که، نام شرکت «ارک پیروز» است نه «پهروز» و مناقسه هم مربوط به نیروی زمینی است، نه دریایی.

تلاش در باره ارقام متفاوتی که در مورد سالروز شهادت رفیق پرویز حکمت‌جو ذکر شده - جای شش و جای پنج سال گفته شده - و همچنین نوشته روزنامه اطلاعات که مدت زندانی رفیق شهید را بحای ۹ سال ۲۲ سال نوشته، تذکراتی داده است. تفاوت بین پنج و شش ناشی از آن بوده که، گذشت پنجسال تمام را گناه ششمین سال می‌نامند و حتی در مورد سن افراد نیز معمولاً این دوگانگی برداشت وجود دارد. البته درست و دقیق آنست که گفته شود پنجمین سالروز، یعنی پنج سال تمام از آن هنگام گذشته است، در مورد اطلاعات هم ذکر آن رقم، انتباهیست که از جانب آروزنامه رخ داده است.

در «مردم» شماره ۲۳، ایراد دارد. وی در مورد صحت خبر مربوط به نرول خواران آمل تحقیق کرده و می‌نویسد که، تهیه کننده لیست خود را «فریاد شهر» می‌نامد، ولی بنویشته از آن عناصر چپ نفاست، نویسنده نامه لزوم تحقیق قبلی و واقع بودن بدستی هر خبری را یادآوری میکند و همچنین ضرورت اقدام عاجل و قطعی درباره ۱۰ الی ۲۰ نفر و احوال اصلی را، که ساهاست خون مردم را با جنایت آمیز تری و شیوه‌ها می‌کند، خاطر نشان می‌سازد.

«مردم» خواننده دیگر «مردم» پس از درود و ابراز محبت، بازم نکته ایراد در همان شماره ۲۳ خاطر نشان می‌سازد. در صفحه اول متن شماره نوشته شده است: «اقتدار زحمتکش» یعنی کارگران، دهقانان...» ایراد نویسنده نامه آنست که، «طبقه» کارگر درست است و واژه عام «قشر» شامل این طبقه نمیتواند بشود. البته اگر خیلی دقیق و باریک بینانه بطلب بنگریم، باید حتماً بنویسیم، طبقات و اقشار زحمتکش، سپس نام آنها را بیاوریم. ولی از سیاق عبارت هم پیداست که مقصود همانست که نویسنده نامه نیز متذکر میشود. ما از دقت و تذکر دوست خود منتهی سپاسگزاریم.

۵ روزیه. س. می‌نویسد، باین دلیل که روزنامه بسیار جالب و دموکراتیکی دارند، بشما تبریک می‌گویم و سؤال دارم، اول اینکه چرا نمایشگاه یادبود شهیدان را زودتر تعطیل کردید؟ البته من قبلاً دیده بودم، ولی میخواستم دوباره ببینم. دوم اینکه چرا شرح حال و مبارزات شهیدان را در زمان حیاتشان چاپ نمی‌کنید؟ سوم اینکه چرا لیست کتابهایی را که حزب چاپ کرده، منتشر نمی‌کنید؟

اولاً - نمایشگاه که نخست قرار بود تا پایان اردیبهشت باشد، بعلت اقبال عمومی تا پانزده خرداد تمدید شد. ولی البته خود روز پانزده خرداد، که مسلمان تعطیل می‌باشند، ولی قبل از آنهم دو روز قبل مقامات مسئول تالار را خواستند و نمایشگاه را ببندند. ثانیاً در مورد شهیدان نیز سعی میکنیم مبارزه آنها را منتشر کنیم. زیرا از همین مبارزه و سراسر زندگی آنهاست که خامی آموزشی، عزت قدر اطلاعات ما در این زمینه کاملتر باشد، بهتر و وسیعتر میشود. ثالثاً کتابهایی که حزب توده ایران منتشر کرده، متاسفانه در ماههای اخیر مورد سوء استفاده عدهای از ناشران فاقد مسئولیت قرار گرفته و بدون اجازه تجدید چاپ و افست شده، که آنگاه مربوط به این مسئله زارد «مردم» منتشر کرده‌ایم. کتابهایی که از این بعد توسط انتشارات حزب توده ایران چاپ و منتشر شوند، آنگاه می‌کنیم از کمک مالی شما نیز قبلاً تشکر کرده بودیم.

۶ آقای منصور، ج. پیشنهاد شما در باره چاپ مقاله‌ای بهرامون بهمان ساعت ۲ و خواننده عزیز من، هر چه درخواست شما در باره چاپ مطالبی در اطراف سخنان وزیر خارجه و مسئله موازنه مثبت و منفی در سیاست خارجی هر دو عملی شده و حتماً مقالات مربوطه را خواهد چاپ. در باره این هر دو مسئله باز هم خواهیم نوشت.

۷ دوست ما تسکین، در نامه خود از وحدت سخن می‌راند و می‌نویسد، اینک ما دوباره با هم در پیشگاه وجدان سرایا بیدار و زرخ عهد می‌بینیم که مبارزه خویش را در جهت آزاد کردن توده‌های رنجبر از قید ظلم و ستم و استثمار و اسفند تا آخرین قطره خونمان ادامه دهیم. ما دوباره قلب خویش را که سالها بپذیرای حزب توده ایران بوده به تپش دوباره و امید داریم و پذیرای تمام قهرمانانی می‌گردیم که از هر گروه و سازمان و جبهه و حزبی برای تحقق و بسطیدن به آرمان مقدس رهاشایی به ما می‌پیوندند. در قرارداد و مستحکم باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق. این چند بیت را نیز از شما «با روشن ترین چشم» که او برای ما فرستاده، نقل میکنیم: ای همکوشترین واژه/ من راه روشن تو را می‌جویم/ با سرودهای سرخ/ یاد روزهایی سبز/ با خنجر که این چنین نشاندهام/ بر قفس / ای آزادی / با روشن ترین

در شرایط کنونی انقلاب ایران که برانداختن نهایی استثمار مطرح نیست، دولت باید ضمن محدود کردن رشته‌های فعالیت این بخش (دامنه این محدودیت بر حسب مالکیت دولتی و تا حدودی تعاونی تعیین میشود) و جلوگیری از تمرکز شدید و وسایل تولید در آن، از امکانات خود برای حمایت از این بخش در برابر رقابت‌های خارجی استفاده کند و با اعطای کمک و ایجاد تسهیلات لازم، بخصوص به واحدها و رشته‌های کم بینه و گزیند پذیر آن، این بخش را پاری رساند.

این سه بخش، بشما سه رکن اقتصاد کشور، باید پیوند ارگانیک داشته باشند. آنها باید مکمل یکدیگر باشند، میان آنان تقسیم کار، مبادله کالا، روابط پولی، تبادل تجربه برقرار شود.

طبیعی است که در میان این سه بخش برتری یا بخش دولتی است. بخش دولتی با در دست داشتن بهترین رشته‌های اقتصادی و بزرگترین بخش درآمد ملی، با استفاده از اهرمهای نیرومند پولی، ارزی، مالیاتی، بانکی و غیره میتواند و باید دو بخش دیگر، بخصوص بخش خصوصی، در جهت هدف‌های ملی سوق دهد و هر سه بخش را در خدمت خلق قرار دهد.

اقتصاد پیچیده و بفریح دوران معاصر، زمانیکه هر رشته، ولو کوچکترین آن، بطور مستقیم و غیر مستقیم، پس از طی حلقه‌های پر شمار واسطه، در تمام رشته‌های دیگر اقتصاد تأثیر دارد، زمانیکه هماهنگی در میان رشد واحدها و رشته‌های گوناگون تولیدی، میان فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی و بانکی و حمل و نقل و ارتباط، هماهنگی میان رشد مناطق مختلف کشور، میان روستاها و شهرها و... از شرایط اولیه و ضرور پیشرفت سالم و مداوم و بدون رکود و بحران است، اداره و رهبری اقتصاد ملی، بدون تنظیم و اجرای برنامه‌های علمی غیر ممکن است. برای اینکه تنظیم و اجرای اینگونه برنامه‌ها بر اصول علمی و پایه‌های عینی متکی باشد، رعایت مبنای دموکراسی از یکسو و اصول مرکزیت از سوی دیگر، که بر واجبات است. در تنظیم کلی دولت مرکزی، متناسب با شرایط و نیازهای زمان انجام می‌گیرد، باید تمام واحدهای اداری و تولیدی و اقتصادی کشور بطور جمعی و در تمام سطوح شرکت مستقیم و فعال داشته باشند.

بقیه از صفحه ۱ ضرورت تصریح نظام...

این سه نوع مالکیت و بخش‌های ناشی از آنها ساخته ذهن نیستند، بلکه عملاً و بطور عینی در طول تاریخ وجود داشته و در جامعه شکل می‌یابند و وجود دارند. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، شکل این مالکیت‌ها و بخش‌ها نیست، بلکه مضمون و محتوی آنها، حد و مرز آنها، نقش و هدف آنها، چگونگی ارتباط و پیوند آنها و راه وسیع تکامل آتی آنها است.

در دوران رژیم پهلوی مالکیت بخش دولتی از سوی در خدمت منافع امپریالیسم جهانی و بخصوص امپریالیسم امریکا بود و از سوی دیگر برآورنده نیازهای آزمندانه شاه و خاندان و اعوان و انصارش. در این دوران سیاه، بخش خصوصی سرپوشی بود که به «مالکیت» مشتق دزد و فاسد بمنظور چپاول مردم جامعه تقدس می‌پوشاند. بذل و بخشش‌های سخاوتمندانه از بودجه دولت، مناقضات و تسهیلات مالیاتی و اعتباری، معاملات و مقاطعه‌های کلان پرسود، همه و همه، در ظاهر بنام بخش خصوصی و در عمل در اختیار گروه کوچکی غارتگر، که در آستانه انقلاب و پس از آن با گزوه‌های باد آورده از کشور گریختند، گذاشته میشد. بخش تعاونی هم یا بر روی کاغذ بود و یا وسیله‌ای برای غارت زحمتکشان.

در جامعه پس از انقلاب ایران، این سه بخش باید نقش کاملاً دیگری ایفاء کنند. بخش دولتی باید تمام رشته‌های حیاتی اقتصاد و منابع طبیعی کشور را در دست گیرد. بودجه دولتی و مالکیت دولتی، برخلاف گذشته، باید فقط در خدمت عموم خلق باشد. بخش تعاونی که بر پایه مالکیت گروهی بر وسایل تولید و محصول کار بوجود می‌آید، شامل تعاونی‌های تولید و مصرف در شهرها و روستاها میشود. تعاونی‌ها باید بر اصول دموکراسی بودن، همکاری متقابل و منافع مشترک اعضاء آن استوار گردند. دولت باید برای توسعه و تقویت این تعاونی‌ها امکانات مادی، مالی، فنی و آموزشی لازم در اختیار آنها بگذارد. بخش خصوصی، که پایه آنرا مالکیت فردی تشکیل

اخبار کارگری

اعتصاب کارکنان شرکت حمل و نقل بزرگ ایران پایان یافت

کارکنان شرکت حمل و نقل بزرگ ایران، روز ۲۳ خرداد دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران عبارت بود از دریافت سود ویژه، افزایش حقوق مسکن و خواربار، عیدی و اضافه دستمزد. کارگران از سه ماه پیش این خواسته‌های خود را با کارفرما مطرح نموده، ولی به نتیجه نرسیده بودند. در آغاز، عمال کارفرما سعی در شکست اعتصاب داشتند، که توفیق نیافتند. اعتصاب ادامه یافت و سرانجام نماینده کمیته مرکزی امام خمینی، در محل شرکت حضور یافت و از کارگران خواست، از روز دوشنبه سرکار خود حاضر شوند، و اگر خواسته‌های کارگران را مدیریت شرکت عملی نکند، نماینده دولت اداره امور شرکت را بعهده گیرد و مطالبات کارگران را تحقق بخشد.

کارگران کارخانه «جنرال موتورز ایران» با مبارزه خود به برخی از خواسته‌های خویش تحقق بخشیدند

با تمهیدمدیران خارجی کارخانه، کارگران «جنرال موتورز ایران» توانستند به برخی از خواسته‌های خود در زمینه اضافه حقوق، کاهش ساعات کار، اخراج برخی از رؤسا و تقلیل حقوق مدیران کارخانه، که تا ۱۰ هزار تومان، ماهانه حقوق دریافت میکردند، تحقق بخشند. در حال حاضر کارگران خواسته‌های زیرین را مطرح کرده‌اند:

- ۱- تصفیه کارخانه از همکاران ساواک
- ۲- توجه به خواسته‌های عمومی کارگران

همبستگی کارگران ضامن موفقیت آنهاست

در دنیا اخبار مربوط به تجمع رانندگان و کمک رانندگان وسائط نقلیه، که مدت هشت ماه است عمال بیکار و نیمه بیکارند، اطلاع رسیده است که آقای فروهر، وزیر کار، با تحویل کامیون به سندیکا و از آن طریق به رانندگان موافقت نموده و مقامات مسئول وزارت راه و ترابری نیز به پذیر کردن فرم‌های و شماره‌دار جهت دریافت کامیون دستور داده‌اند، ولی هنوز از تحویل کامیون خبری نیست. دولت تمهید کرده است که تا روز شنبه ۲۶ خرداد، به رانندگان، که نوبتشان جلوتی است، کامیون تحویل دهد و به دیگران که نوبتشان دورتر است، و ام ماهی ۳۰۰۰ تومان، بهر داند تا بتدریج به آنها نیز کامیون تریلی تحویل داده شود.

راننده‌های از نماینده کارگران می‌پرسد، «حال واقعا روز شنبه نتیجه‌ای خواهیم گرفت» و نماینده کارگران جواب میدهد: «برادر، انقلاب همین است. هر چه همبستگی و متشکل تر باشیم و هر چه به نمایندگان منتخبمان بیشتر اعتماد کنیم، نتایج بیشتری خواهیم گرفت. ولی واقعا چه کسی میتواند تضمین کند که آقایان مسئولین امر، به کارها رسیدگی خواهند کرد، جز ما و همپشتی ما»

کارگران شرکت اسد خواسته‌های خود را مطرح میکنند

کارکنان و کارگران شرکت ساختمانی اسد، سازنده اتوبان کرج- قزوین، قطعه ۲، پس از مدت ۵ ماه بلا تکلیفی و نگرانی ۲ ماه حقوق، از تاریخ ۵۸/۲/۲۰ شروع بکار کردند و در تاریخ اول خرداد ۵۸، ضمن نامه‌ای به اداره کار شهرستان قزوین، خواسته‌های خود را بشرح زیرین مطرح نموده‌اند:

- ۱- پرداخت حقوق اضافه کار
 - ۲- تعیین مدت مرخصی سالانه
 - ۳- پرداخت حق اولاد، حق مسکن، حق خواربار
 - ۴- تحلیل ساعات کار از ۵۶ ساعت به ۴۸ ساعت در هفته
 - ۵- پرداخت حقوقهای عقب مانده
- کارگران اعلام داشته‌اند که هیئت مدیره شرکت نه تنها تاکنون با خواسته‌های قانونی ما موافقت نکرده، بلکه سرگرم فروش اموال موجود در کارگاه است.

از انتشارات حزب توده ایران: منتشر شد

امیر نیک آیین
ماتریالیسم دیالکتیک
و
ماتریالیسم تاریخی
یکصد گفتار برای نخستین
آشنایی با شالوده‌های فلسفه
مارکسیستی - لنینیستی
کتاب دوم
هفتصد شصت

دو برابر داشت متناقض از مسئله مهم نقش ارتش و نحوه نو سازی آن

«اصولا در هیچ جای دنیا، چه در کشورهای کمونیستی و چه غیر کمونیستی، اجازت نمیدهند افراد ارتش مادام که مشغول خدمت در ارتش هستند، در احزاب سیاسی شرکت کنند و یا ایدئولوژیهای مختلف سر و کار داشته باشند و دلیل آنهم واضح است (۱) زیرا وقتی اختلافاتی بین احزاب بوجود میاید، و بدلالی ایجاد میکنند که ارتش دخالت کند، ارتش به چند قسمت پاره پاره خواهد شد، چون افراد ارتش صاحب ایدئولوژیهای مختلف هستند، نمیتوانند از وحدت و یکپارچگی، که لازمه وجود ارتش است، بهره برداری کنند... دولت چنین اجازه‌ای به افراد ارتش نمیدهد»

این اظهار نظر را سپس آقای سر تپ رحیمی، فرمانده دژبان مرکز، بشیوه خودش با اصطلاح «پیاده کرده» و در گفتگویی با روزنامه «بامداد» (۲۴ خرداد) گفت:

«بر اساس آنچه که به دادستانی ارتش و سایر مقامات ارتش اعلام کرده‌ام (۱) (ایشان مقام خود را

مفید باشد. در این نوع موارد معمولا این مثال را میزنند: قطاری با سرعت در مسیر «الف» حرکت میکند. ما می‌خواهیم آنرا در مسیر «ب» (که عکس مسیر «الف» است) سوار کنیم. برای حرکت قطار را کندتر و کندتر کنیم. سپس ترمزهای دستی را بکارند از ترمز قطار را متوقف سازیم. آنگاه باید با هستگی آنرا در مسیر «ب» بحرکت در آوریم. یعنی در این عمل ترمز مسر، ما با سه شوه عمل روبرو هستیم: در مرحله اول دست زدن به اقداماتی که مجموعه نظام سیاسی- اقتصادی گذشته را از حرکت پسرشتاب و مضر و غلط خویش خارج سازد. در مرحله دوم باید در سیاست و اقتصاد بتدریج به ایجاد آن چنان نهادهای نوی دست زد که بتوان جامعه را در مسیر تکمیلی سالمی اداره کرد. و در مرحله سوم با تکیه این نهادها، باید جامعه را بتدریج و با شتاب روز افزون به پیش راند و بسوی اوجهای تکمیلی تازه برد. اگر این اقدامات، بوقع و بسادری لازم نیز انجام گیرد، انقلاب برای نیل و میوه دهی قس بخش خود به سه سالها نیازمند است.

بقیه از صفحه ۱ دشواریهای...

بخشی از این درآمد به واردات کالای واردات ماشینی (فالباً برای موتورهای و نیز وارد ساختن برخی انواع خدمات (نمایندگی‌ها، مدیریت‌ها، کارشناسان، مشورتهای فنی و غیره)، در تهران و برخی شهرهای بزرگ، آنچنان سطح زندگی برای قشرهای فوقانی و متوسط مرفه بوجود آمده، که شایسته زندگی آغشته با محرومیت توده‌ها و ربطی به پایه تنگ تولید وابسته ندارد. انسان از مشاهده این وضع گاه خنده اش میکبرد و گاه دچار وحشت میشود!

واقعا «توبخ» خانواده‌های بلوئی در خنات و دزدی لازم بود که یک چنین «شاهکار» عظیم گنج کنندهای را تحویل انقلابیون ایران بدهد. مادیر از تورم سرسام آور دستگاه دولتی، از رشد انگل وار سرمایه داری (بشرق سفته بازی زمین و خانه و استفاده از وامها و اعتبارات بانکها)، از سطح نازل قضایات سیاسی جامعه در نتیجه سطره طولانی محیط اختناق و رعب، از ورشکست کشاورزی در ایران، از عظمت و وسعت نیروی و منطقه شهرها و دهها عیب دیگر، که هر یک در جای خود یک فاجعه است، سخن نمی گوئیم.

نوسازی و سالم سازی جامعه ما محتاج بیک بررسی مشخصی نقائس و معایب، یافتن طرق خردمندانه رفع آنها و انتخاب راه درست تکامل جامعه است. این راه درست کدام است؟ نظام سرمایه داری؟ یا سرمایه داری ما را بوابستگی ناگزیر سیاسی و اقتصادی به جهان امپریالیستی نخواهد کشاند؛ حتما خواهد کشاند. آیا سرمایه داری مسئله فقر و مرورت، مسئله مصرف تذبذب آمیز را حل خواهد کرد؟ آیا سرمایه داری امکان خواهد داد که درآمد ما از نفت و گاز و آهن و مس و دیگر منابع ثروت کشور، صرف ایجاد یک زیر ساز (انفر استروکتور) نیرومند علمی و فنی برای صنعت و کشاورزی و

فرهنگی آشکار و نهان امپریالیستی برهاند، و به عمل خود هر نام پاریسی یا عربی که میخواهید بدهد. بقول حافظ، یکی است ترکی و تازی در این معامله حافظ حدیث عشق بیان کن بهر...

ساده تر، نقش آن سرکوب جن قشری، طبقه ای بسود حزب، نقش طبقه دیگری در جامعه ایران باشد موضعگیری نخستین، موضع گیری مترقی است و از ماهی انقلاب ضد امپریالیستی وض استنادی ایران سرچشمه گرفته است. زیرا اینکه وظیفه‌ای که برای ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و باید فر گیرد، پاسداری از مرزهای کش و حفظ تمامیت ارضی کشور است. این وظیفه در طرح قانون اساس هم تصریح شده است.

موضعگیری دوم ارتجاعی است و با ماهیت انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استنادی ایران سرز نیست، زیرا هنوز مانند دور ننگین پهلوی نقش ارتش را بدلاله مداخله در اختلافات عقیدتی احزاب اقتدار و طبقات اجتماعی میدان که ناگزیر میتواند به مقابله مردم و سرکوب آنها بیانجامد از این دو موضعگیری، برداشت نیز نسبت به حراتش بدداشتن ایدئولوژی زشی مشیر در این مورد به نیست به آقا، که خود را مجاز به منع ارتش به داشتن ایدئولوژی میدان یاد آور شد که هیچ رادع و مانع عملا قادر نیست که ارتش را از تفکر و در نتیجه از گرایش ایدئولوژی یا قبول ایدئولو، معنی باز دارد. نظر میان انسان بد هستند در لباس نظام و اندیشه از خصوصیات انسان است ایدئولوژی چیزی نیست جز منظر نظریات و نحوه اندیشه و بر خ نسبت به مسائل اجتماعی و جاه بنابر این دولت سهر دولتی - نمیتواند اجازه ندهد که ارتش انسانهایی که در لباس نظام صاحب ایدئولوژی باشند. و اما در باره شرکت ارتش در احزاب سیاسی، در اینجا باید گفت که بر خلاف آن سخنگوی دولت و جنس رئیس دژبان، در تمام کشور، به گفته امیر انتظام «کمونیست نه فقط قبول عضویت احزاب سیاسی از سوی ارتشیان است، بلکه در ارتش این کتو سازمان حزبی وجود دارد. در از کشورهای سرمایه داری شرکت ارتشیان در احزاب سیا مجاز است. ثابا باید بسا، واقعت توجه داشت که ارتشهایی مانند ایران، که بر نظام وظیفه تشکیل یافته‌اند، از ارتش، یعنی مشمولان نظام وظ قبل از خدمت زیر پرچم، از قبل نظامی هستند، و ک نمیتواند آنها را از شرکت احزاب سیاسی و قبول عضویت احزاب سیاسی منع کند. مشمول خدمت بنا بر این میتواند عضو حزب باشد و بخدمت زیر پرچم خوانده شود و کسی هم نمیتوا را مجبور کند که عضویت در حزب سیاسی لفتو کند و وارد سر بلزخانه شود؛ و اگر اقد اجباری حکمرا گردد، اقد بکلی ظاهری ونه فقط بیضا بلکه مضر خواهد بود، سر بلزخانه را در نظر مشمول زندانی جلوه گر خواهد سا که در آن نقش عقاید، به قهر اعمال میگردد و این ضربه سختی به انض معنوی ارتش و در نتیض ضربه سختی بهمان یکپار: و نیز، مندی ارتش خواهد بود که سختگوی دولت و ر دژبان گویا در صدد ایجاد آما در باره نظامیان حره باید بدو مسئله پاسخ داد: اینکه آیا افسران و درجه د ارتش میتوانند در احزاب شرکت کنند یا نه. دوم ای افسران و درجه دارانی که آ حزب سیاسی معینی هستند، توانند در درون ارتش سازمانی خود را بوجود آ یا نه.

در پاسخ به سؤال نخست به نظر ما، باید گفت که آقا و افراد ارتش باید مانند نظامیان آزادانه بتوانند، در از خدمت، در احزاب شرکت کنند و نیز عضویت رسمی را قبول کنند. در سؤال دوم، بنظر ما - مادام

استقلال ایران ایجاب میکند که قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا فوراً لغو گردد

قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا، یکانه قرارداد سیاسی - نظامی است که پس از خروج کشور از پیمان سنتو، هنوز بین ایران و یک کشور خارجی باقی است. ایران بجز این قرارداد با هیچ کشور دیگری قرارداد سیاسی - نظامی ندارد و اگر کسی بخواهد این قرارداد را بسازد، باید برای توجیه تملک و تسامح در الفاء آن است. اگر متن این قرارداد و متن هغه دیگر قرار دادهائی که ایران با همه دیگر کشورها دارد، منتشر شوند، مردم میتوانند از خصوصیات همه آنها مطلع گردند و خواهند توانست بدرستی ما اطمینان داریم که اگر دولت متن قراردادها را منتشر کند، فردای روز انتشار

آنها، زیر فشار افکار عمومی مجبور خواهد شد که بلادرنگ قرارداد اسارتگر دوجانبه نظامی با امریکا را لغو کند. زیرا قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا قراردادی به تمام معنی اسارتگر و وجود آن خط بطلانی است بر استقلال کشور ما. این قرارداد به دولت امریکا «حق» میدهد که در برابر «تجاوز مستقیم» و «نیز تجاوز غیر مستقیم»، «تجاوز خارجی» و «نیز تجاوز داخلی»، یعنی هم در جنگ بین ایران و یک کشور خارجی و هم برای سرکوب «تجاوز داخلی» که همان

جدی و غیر قابل تمییز و تفسیر بود. بدینسان امریکا فتواست قرارداد دو-جانبه اش را اجرا کند، ولسی این بدان معنی نیست که این قرارداد خصلت اسارتگر و مداخله گر خود را از دست داده و میتوان الفاء آنرا از امروز به فردا افکند، تا قرارداد دو-جانبه نظامی با امریکا باقی است، سیاست خارجی دولت ایران در قید تحمیلات ایالات متحده امریکا خواهد بود، ارتش ایران، ارتش مستقل، ملی و خلقی نخواهد بود. این سند شکنج باید پاره شود تا ایران بتواند اعلام کند که کشوری است مستقل، دارای ارتش مستقل. لغو قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا حکم انقلاب ضد امپریالیستی ایران است و باید انجام گیرد.

اتحادیه کارخانجات تابعه سازمان گسترش در تبریز شروع بکار کرد

تعمین یک چهارچوب جهت پیشنهاد و تصویب به هیئت مؤسس تا تاریخ ۵۸۳۲۳۲ انتخاب شدند. ۳- سه نفر به صورت کمیته بررسی شورا جهت بررسی وضع شورای کارخانجات و یا تشکیل شورا در شرکتی که فاقد شورا هستند و بررسی وضع و تعداد کارخانجات وابسته به سازمان گسترش، در سطح آذربایجان شرقی، با اکثریت آراء انتخاب گردیدند.

هیئت مؤسس اتحادیه کارخانجات تابعه سازمان گسترش در تبریز، با اکثریت اعضاء هیئت در تاریخ ۵۸۳۲۳۲ تشکیل و تصمیمات زیرین اتخاذ گردید، ۱- دو نفر بعنوان دبیر و منشی با توافق آراء انتخاب گردیدند. ۲- سه نفر به صورت کمیته بررسی پیشنهاد اسامی جهت جمع آوری پیشنهادهای اعضاء و بیان میدارد، وقتی میگوید: «پرسنل نظامی میتوانند عضو احزاب شوند و صاحبان دولتی و صاحبان ایدئولوژی باشند و هر انسان میتواند این باره نظامی را مستثنی نکرده ایم ولی وقتی در سر بازخانه جمع شدند و بخدمت اشتغال دارند، باید در زمینه های هدفهای ملی و ارتش یکپارچه باشند. همراه با ملت شمشبستگی خود را حفظ کنند، زیرا ارتش در اختیار ملت بوده و علی الاصول تابع دولتی است که این دولت، مبعوث ملت ایران است.»

نقش ارتش ...

وظیفه ملی (پاسداری از مرزهای کشور و حفظ تمامیت ارضی کشور در برابر تجاوز و متکی بر دفاع از آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم - یا باصطلاح رئیس ستاد کل «همراهی با ملت» - نوسازی میشود، ایجاد شبکه های سازمانی از اعضاء احزاب مختلف سیاسی درون پرسنل ارتش، نه مورد نیاز است و نه مفید، ارتش ملی و مردمی ایران - چنین ارتشی باید بوجود آید - می-تواند و باید فارغ از کشمکشهای سازمانهای نظامی احزاب مختلف باشد، بهمین دلیل حزب توده ایران، از زبان دبیر اول کمیته مرکزی حزب اعلام نموده است که: «حزب در ارتش ملی و دموکراتیک ایران سازمان بوجود نخواهد آورد.» همین اصل را، رئیس ستاد کل ارتش، با زبان دیگری

مصاحبه «مردم» با رفیق ایرج اسکندری

بقیه از صفحه ۱

جلوگیری از مداخلات امپریالیسم امریکا، یکی دیگر از مظاهر این سیاست انترناسیونالیستی است. بنابراین روشن است که انترناسیونالیسم حزب بعکس آنچه مخالفان حزب توده ایران و گمراه شدگان تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی تبلیغ میکنند، نه تنها از مین دوستی حزب ما جدا نیست، بلکه عمیقاً از این منشأ سرچشمه میگیرد. اگر امروز دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، مردم کشور ما و احزاب و گروههای ترقیخواه، از جنبش نجات بخش فلسطین و مبارزات دیگر خلقهای عرب و سایر مبارزات ضد امپریالیستی خلقها در سراسر جهان پشتیبانی میکنند و مورد پشتیبانی و قدر دانی مردم دولت این کشورها قرار میگیرند، این یک همبستگی طبیعی در مبارزه علیه امپریالیسم در مقیاس بین المللی است و لذا نه تنها در مقابل مین دوستی و ملی بسودن آنها قرار نمیگیرند، بلکه لازمه و مکمل آنست. همبستگی انترناسیونالیستی غیر از وابستگی است، زیرا همبستگی بخودی خود مستلزم برابری و استقلال و وابستگی مطلقاً نافی همبستگی و انترناسیونالیسم است.

حزب توده ایران همواره کوشیده است در سیاست عمومی خود در مناسباتش با احزاب برادر، انترناسیونالیسم را در کنار استقلال حزب و مصالح ملی اعمال نماید و دوستی و همبستگی ملی را با انترناسیونالیسم در آمیزد.

س- آزاد کردن شما از سمت دبیر اول کمیته مرکزی چگونه صورت گرفته است؟

آیا در تغییرات در دستگاه رهبری کسی جز خود رهبری دخالت داشته است؟

ج- در یک حزب دموکراتیک قانون حاکم تصمیم جمعی است. هنگامیکه این پیشنهاد در هیئت اجرایی مطرح گردید و اکثریت با آن موافقت نمود، من هم به آن تصمیم پیوستم. این تصمیم در هیئت اجرایی و سپس در پلنوم کمیته مرکزی حزب گرفته شده است و غیر از این مراجع، مقام یا ارگان دیگری مداخله نداشته است و نمیتواند داشته باشد.

س- نظر شما درباره دکتر کشاورز و باصطلاح کتاب او درباره حزب چیست؟

ج- چنانکه گفته ام کتابی که از جانب دکتر کشاورز انتشار یافته است، قویاً آمیخته به افراض شخصی، دروغ و جعلیات و تحریف جدی بسیاری از وقایع است. برخی از فاکتورهای تاریخی نیز در این کتاب بصورت ناقص و تحریف شده ذکر شده و بطور کلی این باصطلاح کتاب بمنظور لطمه وارد کردن به حزب و تخطئه برخی از اعضاء رهبری حزب عنوان گردیده است.

س- آیا پس از شهریور ۱۳۲۰، مجله دنیا انتشار می یافت و آیا رفیق کیانوری مقاله ای در این مجله نوشته است مبنی بر اینکه باید «منافع مشروع متفقین در ایران حفظ شود»؟

ج- مجله دنیا بمشابه ارگان سیاسی و تئوریک حزب توده ایران فقط در دوران مهاجرت انتشار یافته و لذا سخن از انتشار چنین مجله ای، پس از شهریور ۱۳۲۰، بکلی نادرست است. وظیفه نشریه تئوریک و سیاسی حزب را در آن زمان مجله مردم انجام میداد بنا بر این انتشار چنین مقاله ای از طرف رفیق کیانوری در آن زمان در مجله دنیا منتفی است و گفتن این مطلب در عداد جعلیاتی بشمار میرود که علیه حزب ساخته و پرداخته شده است.

س- آیا در مورد سیاست کنونی حزب در هیئت سیاسی، اختلاف نظر وجود دارد؟

ج- سیاست کنونی حزب در مجموع خود مورد تأیید همه اعضاء هیئت سیاسی است. طبیعی است که بهنگام مباحثات نظریات و پیشنهادهای گوناگون در اطراف مسائل مشخص مطرح میشود، ولسی سرانجام در نقاط اساسی مشترک توافق حاصل میگردد و خط عمومی سیاست حزب بر آن اساس تنظیم میشود. البته وقوع این قبیل مباحثات بهیچوجه بمعنای اختلاف در درون رهبری درباره سیاست کنونی حزب و خط مشی اساسی آن نیست.

س- چرا حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه

مسائل مهم است و این وحدت اندیشه ای طبعاً میان همفکران همبستگی ایجاد میکند و لذا آنها را قهرماً پشتیبان هم میسازد. اگر غیر از این باشد، موجب شکفتی است. پس اگر حزب توده ایران حزب طبقه کارگر، وپرو ایدئولوژی این طبقه، یعنی مارکسیسم - لنینیسم است، نمیتواند همیشه احزاب دیگر طبقه کارگر و بویژه احزاب کشورهای نیا شده که اکنون در مراحل مختلفه ساختمان جامعه سوسیالیستی قرار دارند و حکومت کارگران و دهقانان را در سر زمین خود مستقر ساخته اند و بایشرفتهای اجتماعی شگرف خود در مقام بین المللی، بیشترین وزنده ترین دلایل را برای اثبات صحت عقیده ای حزب توده ایران بدست میدهند. در واقع کسی منطقی نمیتواند از حزب توده ایران توقع داشته باشد که نسبت به همفکران انقلابی خود در جهان ابراز همبستگی نکند، چنین توقمی از حزب توده ایران درست بمعنای پیشنهاد نفی ایدئولوژی طبقه کارگر و سلب خصلت طبقاتی آنست. ولی حزب توده ایران سازمان سیاسی طبقه کارگر ایرانست و فقط تعلق به این کشور دارد و لذا تحقق عقاید انقلابی خود را در رجه اول و بطور مشخص برای استقلال و ترقی ایران، آزادی و سعادت مردم آن ضرور میسازد. حزب ما از آن جهت حزب توده ایران است که عقیده دارد با استقرار سوسیالیسم میتوان برای همیشه ریشه های نفوذ امپریالیسم، استعمار و نو استعمار و استیلاي آنرا بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور ما قطع کرد و استقلال و آزادی واقعی ایران را تأمین نمود.

در واقع بمنظور ریشه کن ساختن استعمار، فقر و محرومیت های گوناگون توده های مردم ایران و ارتقاء واقعی و مستمر سطح زندگی و فرهنگ آنهاست که حزب توده ایران به سوسیالیسم گرویده است. پس عشق واقعی به مین و علاقه عمیق به استقلال ایران، آزادی، رفاه و ترقی مادی و فرهنگی توده های زحمتکش این سرزمین است که علت وجودی حزب توده ایران را تشکیل میدهد. نه پیروی از سیاست ها و نظریات کشورهای یا احزاب دیگر.

از سوی دیگر در روزگار ما نبرد سهمگین در مقیاس سراسر جهان، میان سوسیالیسم و امپریالیسم جهان نوار، در جریان است. امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، دشمن شناخته شده خلقهای جهان، از جمله مردم کشور ما است، و ترقی و سعادت آینده بشریت، صلح و امنیت بین المللی، استقلال و آزادی خلقها آشکارا در گرو نتیجه این نبرد است. بنا بر این جسای تردید نیست که وجود جامعه کشورهای سوسیالیستی بخودی خود و بطور عمیق در جهت آمال همه خلقهای است که برای رهایی خود از قید امپریالیسم و استعمار، نو، علیه صهیونیسم، تبعیض نژادی و فاشیسم و برای استقلال و آزادی مبارزه میکنند. امروز هیچ آدم با حسن نیتی در کشور ما نمیتواند منکر نقش ارزنده ای شود که همدارباشی سال گذشته لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جلوگیری از مداخلات امپریالیسم امریکا در امور داخلی ایران و سایر انقلابی آن نمود. این روش انترناسیونالیستی و برادرانه نمونه ای از همبستگی است که اتحاد شوروی و دیگر دولتهای جامعه سوسیالیستی در روند مبارزات رهایی بخش خلقهای جهان ایفاء کرده و میکنند. اگر به سیر موفقیت آمیز جنبش های رهایی بخش جهان، بویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم توجه شود، دیده میشود که هیچ حرکت استقلال طلبانه و آزادخواهانه در قاره های مختلفه جهان نبوده است که از پشتیبانی برادرانه جامعه کشورهای سوسیالیستی و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی برخوردار نشده باشد.

در تاریخ مبارزات رهایی بخش کشور ما، کمک های ارزنده اتحاد شوروی به استقلال و تمامیت خاک ایران از بدو تأسیس این دولت مقام ویژه ای دارد. هیچکس نمیتواند منکر این حقیقت شود که بلافاصله پس از انقلاب کمپرس سوسیالیستی اکثریت دولت شوروی نه تنها از کلیه امتیازات غارتگرانه که امپریالیسم تزاری بخلق ما تحمیل کرده بود، صرف نظر کرد، بلکه بسا الفاء قرارداد یکجانبه اسارت بار ۱۹۰۷ دائر به تقسیم ایران و پشتیبانی فساد از مبارزات مردم ایران علیه قرارداد تحمیلی ۱۹۱۹ و بسا انعقاد قرارداد ۱۹۲۱، استقلال و حاکمیت سیاسی کشور ما را از دستبرد امپریالیسم انگلستان نجات داد و از آن پس نیز علی رغم سیاست خصمانه ای که رژیم رضا پهلوی و محمد رضا پهلوی، با اشاره امپریالیسم، نسبت به اتحاد

از نظر تحول سیاسی و تشکیلاتی آن. حزب توده ایران از آغاز تأسیس خود دارای ماهیت حزب طراز نوین طبقه کارگر بود، یعنی سازمانی بود که اولاً بر اساس ایدئولوژی انقلابی طبقه کارگر (مارکسیسم - لنینیسم) تأسیس شده بود، ثانیاً بار فرمیسم و سوسیال دموکراسی پیوندی نداشت، یعنی معتقد به تحول انقلابی بنیادی جامعه ایران بود، ثالثاً از لحاظ تشکیلاتی بر اساس اصول سازمانی لنینی، یعنی بر پایه مرکزیت دموکراتیک بنا شده بود.

ولی برای اینکه سازمانی بمعنای واقعی خصلت حزب طراز نوین طبقه کارگر را پیدا کند، تنها پایه تئوریک کافی نیست. برای دارا شدن خصلت حزب طراز نوین از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی، هر حزب طبقه کارگر ناگزیر باید روند تحولی مشخصی را طی کند و در کوره تجربیات مختلف سیاسی و سازمان دهی توسعه ها و ارتباط مستقیم با آنها آبدیده شود. بر پدیده های ناسالمی که عناصر بورژوازی و خرده بورژوازی با شرکت خود حزب را به آن آلوده میکنند، غلبه کند و بتواند بر انحرافات راست و چپ و عوامل گروهی در درون حزب چیره شود و خلاصه بصورت سازمانی در آید که واقماً درخور آماده ساختن رهبری توده های خلقی در جهت انجام انقلاب اجتماعی باشد. بدیهی است چنین شرایطی آنا بوجود نیاید و خلق الساعه نیست.

بقول مثنوی، مدتی باید که تا خون شهر شد. بنا بر این میتوان گفت که حزب توده ایران در عین اینکه خصائل بنیادی حزب طبقه کارگر را از ابتدا در خود داشته است، مانند همه احزاب طبقه کارگر جهان، در سیر تحولی خود برورد در جهت تکمیل علمی این ویژگیها قدم برداشته، و بسوی کمال پیش رفته و میروند.

س- آیا در حزب گروه بندی و فراکسیون وجود دارد؟

ج- در گذشته پدیده های ناسالمی در این زمینه وجود داشته،

پاکستان شریک توطنه‌های امپریالیستی در خاورمیانه



پاکستان در تلاش برای ورود به «باشگاه هسته‌ای»

خبرگزاری فرانسه با استناد به مجله جدید انتشارات عربی «ایت دیز» (هشت روز)، چار لندن، اعلام کرد که پاکستان در پی این آینه بمب اتمی متفجر خواهد کرد. این هفته نامه که در این باره در فرانسه، آلمان فدرال و هلند تحقیق کرده - که البته بهتر آن میبود از وزارت خارجه یا اینتلجنت سرویس انگلیس تحقیق میگرد - به اصطلاح اطمینان میدهد که پاکستان برای آنکه ورود خود را به «باشگاه اتمی» از دولتهای غربی پنهان کند به اصطلاح متعمدا این دولتها را فریب داده است! به ادعای این مجله، پاکستان «بدون اطلاع» کشورهای که قصد داشتند مانع ورود او به «باشگاه اتمی» شوند، مواد، تکنولوژی و کارشناسان علمی لازم را برای انجام این کار فراهم آورده است! ولی کیست که نداند فراهم آوردن این وسائل و تدارک انبار هسته‌ای بدون همکاری، اشتراک، نظارت و حتی رهبری کشورهای امپریالیستی برای پاکستان غیر مقدور است.

سیاست آمریکا در خاورمیانه حتی دوستانش را به مخالفت برانگیخته است

بگزارش آسوشیتد پرس، منابع دولتی آمریکا اعلام کردند که دولت کارتر در پی ارزیابی مجدد سیاست این کشور در خلیج فارس تصمیم گرفته است که بمنظور به اصطلاح حفاظت چاههای نفت بر قدرت نظامی خود در این ناحیه بیفزاید. ناظران اعلام کردند که زبیکو بر زینسکی مشاور کارتر در امور امنیت ملی و هارولد بر اون وزیر دفاع آمریکا در اجلاس که برای بررسی سیاست آمریکا در ناحیه خلیج فارس در کاخ سفید تشکیل شده بود شرکت جسته بودند. از طرف دیگر ژنرال برنارد راجرز رئیس ستاد ارتش آمریکا اعلام کرده است که قصد دارد یک نیروی ضربتی ۱۱۰۰۰۰ نفری تشکیل دهد که قادر است سریم در مناطق حساس مورد نظر مداخله کند. منابع وابسته به پنتاگن اعلام کردند که یکی از واحدهای این نیروی ضربتی به مناطق نفتخیز خلیج فارس اعزام خواهد شد.

لکن هلمون اشمیت صدراعظم جمهوری فدرال آلمان در مصاحبه‌ای با نشریه جر و زال پیست، چاپ اسرائیل با نظرات اطرافیان کاخ سفید درباره اشغال نظامی حوزه‌های نفتی خلیج فارس مخالفت کرد و اعلام داشت که چنین اقدامی غیر واقعه‌ایانه است.

بدنبال انتشار خبر تعلیم عناصر خرابکار و آشوبگر از طرف آمریکا در خاک پاکستان و اعزام آنها به افغانستان، خبرگزاری تاس اعلام کرد که نیروهای ترقه‌خواه یا گستاخ مؤکداً خواستار عادی شدن روابط این کشور با افغانستان شده‌اند. به گزارش خبرگزاری شوروی، حزب مردم، حزب ملی و عده‌ای دیگر از سازمانها و گروه‌های سیاسی پاکستان، تبلیغات امپریالیستها و محافل راستگرای پاکستان را در مورد استفاده از مسأله به اصطلاح آوارگان افغانی و گسترش تبلیغات ضد افغانی، در میان مردم پاکستان را محکوم ساختند.

اتحادیه دانشجویان پاکستان حمایت کامل خود را از انقلاب مردم افغانستان اعلام داشت. رئیس اتحادیه دانشجویی پشتون در مصاحبه‌ای با روزنامه مسلم اعلام کرد که برای نخستین بار در تاریخ افغانستان این فرصت نصیب توده‌های زحمتکش این کشور شده است که از زندگی با نسیبه انسانی برخوردار شوند و هیچکس این اعلام داشت که اتحادیه دانشجویان پشتون با عوامل ارتجاعی پاکستان، که دست اندر کار توطئه چینی علیه انقلاب افغانستان هستند شدیداً مبارزه خواهد کرد.

خبرگزاری تاس همچنین گزارش داد که نور محمد تره کی رئیس جمهوری افغانستان در اجتماع از رؤسای قبایل و رهبران مذهبی ایالت کونار اعلام کرد که دولت وی از نخستین روز تاسیس جمهوری دموکراتیک افغانستان برنامه وسیعی را برای ارتقاء سطح زندگی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان، اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و نابودی بقایای فئودالیسم شروع کرد، لکن مخالفان این سیاست که به خارج از افغانستان پناه برده‌اند، چون منافع چپاولگران خود را در خطر میبینند از این نواحی علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان جنگ آغاز کرده‌اند.

نور محمد تره کی همچنین گفت: دشمنان انقلاب افغانستان می‌کوشند تا مانع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور شوند، لکن زحمتکشان افغانستان که برای بار نخست مجال یافته‌اند که خود سر نوشت خویش را تعیین کنند در دفاع از سرزمین خود آماده‌اند.

اشمیت هم معتقد است که اسرائیل به انزوا کشانده میشود

در مصاحبه با جر و زال پیست، صدراعظم جمهوری فدرال آلمان همچنین اعلام کرد که از بروز جنگی جدید در خاورمیانه بیمناک است. وی تاکید ورزید که سیاست مناسبت‌گرا در باره تاسیس آبادیهای یهودی نشین در سرزمینهای عربی باعث خواهد شد که اسرائیل همه دوستان خود را از دست بدهد و بنا بر این این کشور به انزوا کامل کشانده شود. هلمون اشمیت مؤکداً اعلام کرد که اسرائیل راه خطرناکی را در پیش گرفته است.

اصول سیاست خارجی دولت موقت ناروشن است.

روبطی فعال و مثبت، که بگفته آقای وزیر، «طرف دیگر سکه» عدم تمهد است. این سیاست خارجی، این عدم تمهد، این ربطی مثبت و فعال - از نظر وزیر خارجه - مربوط است به مناسبات با ابرقدرتها و خلاصه میشود اولاً عدم شرکت در اتحادیه‌های نظامی از نوع ناتو و ورشو، ثانیاً به عدم «جهت‌گیری» در درگیری‌های قدرتهای بزرگ و ثالثاً «باشتن» روابط خوب با همه آنها. در اینجا دکتر یزدی «فراموش» میکند که استقلال کشور را باید در مبارزه با نیروی حفظ کرد که مخالف استقلال کشور است. و این نیرو امپریالیسم جهانی، پس کردگی امپریالیسم امریکاست، نیز فراموش میکند که، محتوی «عدم تمهد» به خودداری از شرکت در بلوک بندیهای نظامی خلاصه نمیشود. «عدم تمهد» دارای محتوی ضد امپریالیستی، ضد استعماری، ضد نژادپرستی، ضد مناسبات اقتصادی نابرابر است و چر که کشورهای غیر متعهد اساساً بر این مبانی تشکیل یافته‌اند. وزیر خارجه همچنین کمترین توجهی به این واقعیت ندارد که، در درگیری‌های «بین ابرقدرتها» نمیتوان جهت‌گیری نکرد. اگر مطالب استقلال خود و دیگر کشورها و خلیفتها هستیم، اگر ما خواستار حفظ صلح بین‌المللی هستیم، اگر ما بخواهیم - بگفته وزیر خارجه - از مردم محروم، هر کجا هستند، حمایت کنیم، اگر قائل باصل عدم مداخله دولتها در امور داخلی کشورها، قطع نظر از نظام اجتماعی آنها هستیم، ناگزیر در درگیریهای ابرقدرتها همبستگی «برابر» ابرقدرتی» که استیلاگر، مداخله‌گر و فزاینده است «جهت‌گیری» کنیم و این «ابر قدرت» امپریالیسم، پس کردگی امپریالیسم آمریکا است.

خودداری از «جهت‌گیری» وقتی روشن میشود که، دکتر یزدی درباره روابط با ایالات متحده آمریکا میگوید که این روابط «بر مبنای تجارت، با این کشور استوار است و تمام کوشش خود را در جهت بهبود آن بکار خواهیم برد»، بدون اینکه صفتی برای این تجارت ذکر کند، بدون اینکه تصریح کند که این

«تجارت» همبستگی بر مبنای عدم مداخله، احترام به حق حاکمیت، برابری حقوق و صرفه متقابل باشد، و حال آنکه - به گفته امام - روابط با آمریکا «رابطه ظالم با مظلوم، غارتگر با غارت شده» بوده است و هنوز هم بر همین مبناست. و همین سبب خود آقای دکتر یزدی میگوید که، آمریکا میتواند «فردا تمام واردات خود مثل گندم را با ایران قطع کند» و چون سیاست خارجی ما «جهت‌گیری» ندارد، آنگاه - بنظر وزیر خارجه - ممکن است ما نتوانیم از جای دیگر گندم بخریم و لازم خواهد آمد که شش ماه روزه بگیریم! آیا این چنین خودداری از «جهت‌گیری»، خود «جهت‌گیری» نیست؟! اصل دوم سیاست خارجی - بگفته وزیر امور خارجه - «با کشورهای جهان سوم و کشورهای در حال توسعه است... ما میتوانیم با این کشورها روابط نزدیک و صمیمانه‌ای داشته باشیم... یکی از مشخصات بارز این کشورها اینست که تمام آنها غیر متعهدند... این کشورها تشخیص داده‌اند که شرکت در درگیریهای قدرتهای بزرگ هیچ کمکی به آنها نخواهد کرد.» در اینجا هم آقای وزیر خارجه اشتباهات فاحش دارد. مثلاً تر که در عداد کشورهای «متعهد» است، عضو بلوک بندی نظامی ناتو است، ولی کشوری در حال توسعه و جزو «جهان سوم»، هر یک از کشورهای «غیر متعهد» نیز برخلاف نظر دکتر یزدی «جهت‌گیری» دارند، بدرجات مختلف از استقلال خود دفاع میکنند، بدرجات مختلف با امپریالیسم «درگیرند»، بدرجات مختلف زیر نفوذ اقتصادی و سیاسی امپریالیسم‌اند. بنا بر این روابط ما با این کشورها با همبستگی بر مبنای کمک به مبارزه مشترک بر ضد امپریالیسم، در راه تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی باشد. با این کشورها نیز همبستگی روابط ما بر مبنای عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، احترام متقابل به حق حاکمیت و تمامیت ارضی، بر مبنای کمک متقابل به رشد مستقل باشد.

اصل سوم - بگفته آقای دکتر یزدی - «روابط ما با تمام کشورهای مسلمان است... سیاست خارجی

نشینده‌های که...؟

گفت: «این گروه‌های ریز و درشت، با نام‌های عجیب و غریب، مثل: «نازمان پیکار در راه نابودی طبقه کارگر، گروه اتحاد برای برانگیدن طبقه کارگر، گروه آزادی به خاطر اسارت طبقه کارگر، چه میخواهند؟»

تا کسی را نان تهران چه میخواهند؟

تا کسی را نان تهران اطلاعاتی انتشار داده‌اند که خلاصه‌ای از آنرا در زیر انتشار میدهیم. ماراندگان تا کسی بتواند قشری از زحمتکشان کشورمان، که هیچگاه از حقوق صنفی و اجتماعی برخوردار نبوده‌اند و همیشه تحت سلطه غارتگر تعاونی، که در رأس آن عناصر مزدور رژیم سابق قرار داشتند، تحت هر گونه فشاری بودیم، امروز میخواهیم با استفاده از دستاوردهای انقلاب خونین مان، با ایجاد اتحادیه واقعی و انتخاب نمایندگان واقعی از بین خودمان، به حقوق از دست رفته و قانونی خویش برسیم. هیئت مؤسس موقت تا کسی را نان تهران، که هر دوش تشکیل اتحادیه واقعی تا کسی را نان است، قطعنامه‌ای در ۱۲ ماده انتشار داد، که ما قاطعانه آنرا تأیید میکنیم. مهمترین مواد قطعنامه عبارتست از: - بیمه بازنشستگی و بیمه درمانی - ایجاد مسکن مناسب جهت رانندگان که مسکن ندارند. - ایجاد تعمیرگاهها و فروشگاههای لوازم یدک - ایجاد صندوق رفاه - رسیدگی به امور مالی شرکت تعاونی سابق - حل مسئله ترافیک با کمک و دخالت اتحادیه واقعی تا کسی را نان - کوتاه نمودن دست واسطه‌ها در خرید و فروش تا کسی - رسیدگی به امور با اصطلاح اتحادیه رژیم منحل.

تعلل در ریشه کن ساختن عوامل ضد انقلاب، موجب گستاخی مزدوران شاه مخلوع میشود.

روزهای ۹ و ۱۰ خرداد، عده‌ای در خیابان ری، کوچه آشاد، با شعار «ای شاه خوبان بوطن روزهای ۹ و ۱۰ خرداد، ساعت ۷ بعد از ظهر، یک گروه ۵ نفری در حال عبور از خیابان انقلاب (جلوی دانشگاه تهران) شروع به دادن شعار «جاوید شاه» کردند. ابتدا مردم تصور کردند که این یک شوخی سیاسی است و حتی عده‌ای فکر میکردند، «چاپید شاه» گفته میشود. ولی وقتی متوجه جدی بودن موضوع شدند، با خشم و نفرت در صدد سرکوب مزدوران برآمدند، ولی دیگر دیر شده بود و مزدوران ناپدید شده بودند. در همین روز، ساعت ۸/۵ بعد از ظهر، در منطقه فلکه دوم نیروی هوایی (نزدیک کلانتری نیروی هوایی) چند نفر شعار «جاوید شاه» میدادند. مردم آرام آرام گوش بزنک شدند، ولی صدا پس از مدت کوتاهی خاموش شد. اگر این وقایع را با حملات ساراکی‌های مسلح به پاسداران انقلاب در کنار هم قرار دهیم، آنوقت روشن میشود که تعلل در ریشه کن ساختن عوامل ضد انقلاب، چگونه موجب گستاخی مزدوران شاه مخلوع میشود و تا چه حد این حوادث میتواند خطرناک گردد.

بقیه از صفحه ۱

افسانه نه شرق و نه غرب تمیز دوست از دشمن از وظایف مهم انقلاب است

اشتباه در تشخیص دوست از دشمن و تمیز متحد از منافق، خطری مهلك برای مبارزان واقعی در بر دارد. این خطری است که هم اکنون، به اشکال مختلف، انقلاب مردم مهن ما را تهدید میکند. این خطر بخصوص از آن جهت جدی است که ضد انقلاب و پشیمانان امپریالیستی آن میکوشند با تبلیغات پر دامنه و حيله‌های رنگارنگ، نیروهای انقلابی را در تشخیص دوست از دشمن گمراه سازند و مبارزه مردم ایران را به بیراهه بکشاند.

۲ سال از درگذشت رفیق توده‌ای عبدالحسین ظریفی گذشت



مبارزی از

سوزمین کار،

آتش،

نفت و نبرد

حزب ما، حزب شهدا، حزب قهرمانانی است که جان خود را نثار راه توده‌ها کرده‌اند. پنجم تیرماه، سالروز درگذشت یکی دیگر از این مبارزانست، توده‌ای قهرمانی از جنوب، از سوزمین آتش، نفت، کار و نبرد.

رفیق ظریفی در آستانه بهار ۱۳۱۷، در بند ریگ، در دامان خانواده‌ای روستائی چشم به جهان گشود. زندگی، چون میلیونها توده رنجبر ایرانی، در رنج گذشت. ۶ ساله بود که در جستجوی نان با خانواده به آبادان رفت. او با رنج توده‌ها بزرگ شد، به راه توده‌ها، به راه حزب طبقه‌کارگر ایران، به راه حزب توده ایران پیوست پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، رفیق ظریفی خود را در زندان یافت. وقتی آزاد شد، به آرمان حزب خود وفادار بود. بعد از مدتها محرومیت سرانجام توانست به مدارس راه یابد و به تخصص خود بپردازد. رفیق توده‌ای دبیر فیزیک بود در کلاس درس، در بین توده‌ها که فروتن و ساده همواره با آنها می‌زیست، رفیق ظریفی سوسیالیسم علمی را اشاعه میداد، به رنجبران راه بهروزی آنها را نشان میداد. و این گناهی نبود که رژیم بر کسی ببخشد. رفیق ما، باز خود را در شکنجه‌گاه یافت. اسارت پایان گرفت و رفیق آزاد شد. دیگر به او اجازه تدریس ندادند.

رفیق در شرکت گاز خرمشهر در میان رنجبران به کار پرداخت. رفیق، گاه که به محفل «ویت کنکهای کافه نشین» میرفت، با سرسختی تمام از مواضع حزب توده ایران دفاع میکرد و تمام سفسطه‌ها و تیرنگهای، زرادخانه ایدئولوژیک امپریالیسم و ارتجاع را بر ملا و رسوا میساخت. او سر بلند و تانک در موضع دفاع از رسالت اندیشه‌های توده‌ای و طبقه‌کارگر ایران می‌ایستاد. دانش و منطق یولادین و عشق بی‌زوال به توده‌ها، بزرگترین خطرهای برای ساواک بود. رفیق بازم به زندان افتاد. این بار، شکنجه و تبعید و هوای مسموم سیاهچاله‌های قزل‌قلعه، کمیته و اوین زندانهای آبادان، بوشهر و شراز، رفیق را در ۳۹ سالگی به بیماری سل و عفونت ریه مبتلا کرد و سرانجام قامت پهلوانی او را در پنجم تیرماه ۱۳۵۶ از پای درآورد.

خاطره رفیق قهرمان ما، عبدالحسین ظریفی، که در سنگر حزب توده ایران رزمید، گرامی باد!

شرق و غرب؛ اگر چنین باشد، کاری است بس نادرست و سیاستی است بس زیان بخش. استقلال را با حرف، آنهم حرف واهی، که هدفش سوزاندن خشک و تر با هم باشد، نمیتوان حفظ کرد. باید در عمل مستقل بود. مگر شاه مخلوع با همین حرفها و همین شیوه‌ها نمیتوانست که «استقلال» خود را بشوید برساند؟

نسبت دادن کارهای نا کرده به «شرق» و نشان دادن کشورهای سوسیالیستی پشیمانان انقلاب ایران بر روی نمکت اتهام، در کنار کشورهای امپریالیستی، که واقعا علیه انقلاب ایران به توطئه و خرابکاری مشغولند، چه حاصلی برای انقلاب ما دارد؟ جز مشوب کردن اذهان، جز شریک جرم تراشدن برای امپریالیسم و جز کاستن از سنگینی بارگناهان و جنایات‌های آن؟ آیا کسانی که با این آسودگی خاطر علامت تساوی میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی رسم میکنند، فکر کرده‌اند که با این کار عملا چه آگاه باشند، چه آگاه نباشند، چه بخوانند، چه نخوانند، به انقلاب مردم ایران زیان میرسانند؟

آیا میان امپریالیسم آمریکا، که بر گوریک مشت‌جانی و خائن و جاسوس، که بفرمان دادگاههای انقلاب ایران ممدوم شده و میشوند، اشک میریزد و بر انقلاب ایران لجن میپراکند و اتحاد شوروی، که از اقدامات انقلابی این دادگاهها پشتیبانی میکند و از جناح خود را نسبت به واکنش سالوسانه آمریکا اعلام میدارد، جدا تفاوتی وجود ندارد؟

هر روز، در جریان محاکمات خائنین به مهن و مردم مبارز ما، اسرار و اسناد تکان‌دهنده تازهای حاکی از مداخله «سیا» و «وساد» در امور داخلی ایران فاش میگردد و پرده از دیسها و تبهکاریهای بهشمار سفرها و سفارتورها و کارشناسان و کارگزاران امپریالیسم آمریکا در ایران برداشته میشود. کدام سند و مدرکی تا کنون بدست آمده که حاکی از مداخله و خرابکاری «شرق» و «عمال» آن در ایران باشد؟ چرا این گروهها و عناصر، با چنین بی‌مسئولیتی افترا میزنند و کشورهای سوسیالیستی را، که سنگین‌ترین بار مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع را بردوش دارند، متهم میکنند؟

در کیفیخواستی که از طرف دادستان دادگاههای انقلاب ایران علیه سرتیپ متوجه رجیدی تنظیم گردید، توطئه‌های این جنایتکار و ژنرال تایم، رئیس اداره دوم اطلاعات پنتاگون افشاء شده است. در این کیفیخواست از «تحریف و قلب حقیقت اسلام و انقلاب اسلامی و چهره رهبر انقلاب و کمونستی جلوه دادن اقدامات و فعالیت‌هایش و وابسته دانستن وی به بیگانه‌ها»، سخن رفته و گفته میشود که این تحریف و قلب حقایق علیه انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی، بوسیله همین ژنرال تایم و سرتیپ وجدی، یعنی عمال مزدور امپریالیسم آمریکا انجام گرفته است. آیا کسانی که در تحریف و قلب ماهیت کشورهای سوسیالیستی میکوشند، به این حقیقت تلخ اندیشیده‌اند که با این کار خود، عملا تاسطح این عمال امپریالیسم سقوط میکنند؟

امپریالیسم، برای حفظ منافع نامشروع خود، پیوسته باین نیرنگ‌ها توسل جسته و باگستاخی و بی‌پروائی در خورد خویشتن به تحریف واقیقت‌ها پرداخته و میبرداند. آیا زمان آن نرسیده است که از دام این نیرنگ‌ها دوری جوئیم و مهمتر از آن، خود از توسل باین نوع نیرنگ‌ها بپرهیزیم؟

زمانی بود که رژیم سرسپرده پهلوی، برای فریب افکار عمومی، مدعی بود که راه شرق را می‌پیماید و نه راه غرب را، همانقدر که از شرق فاصله میکشید، از غرب هم دوری میکشید. این رژیم دست‌نشانده میخواست با این «فاصله‌گیری» خود را «مستقل» جا بزند و وابستگی خائنه خویش را به امپریالیسم جهانی، و بویژه به امپریالیسم آمریکا، از نظر مردم مبارز ایران نهان دارد. این رژیم متغور برای چشم‌پندی، گاه در ظاهر نام امپریالیسم و حتی امپریالیسم آمریکا را پیش میکشید تا برای مهم کردن «کمونسم بین‌المللی» به «مداخله در امور داخلی ایران» دست بازتری داشته باشد. امپریالیسم نیز که بر ماهیت این تبلیغات و هدف این شیوه‌بازیها بخوبی آگاهی داشت و حتی خود الهام‌گر آن بود، بر این شکر در رژیم پارشیخندی، موزیانه و چشم‌مکی تأیید آمیز می‌تکریست.

اپورتونسم «چپ»، که در سیمای کریه ما تونیس تیلور یافته بود، در این بازی مکارانه به یاری امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی میشتافت و با اشاعه یک مشت دروغ درباره کشورهای به اصطلاح «غنی» و «فقیر»، «روستای شرق» و «شهر غرب» و افسانه‌هایی درباره «سویالیسم امپریالیسم» و «دوا بر قدرت»، که برخی از آنها را از خود امپریالیسم بعاریت گرفته بود، همان کاری را میکرد که شاه مخلوع و امپریالیسم اربابش.

این داستان مال دورانی بود که مردم قهرمان ایران در راه سرنگون کردن رژیم شاه مخلوع و برانداختن سلطه امپریالیسم به نیردی خونین برخاسته بودند. اینک که این مرحله از مبارزه را پشت سر نهاده‌ایم، باز گروهها و عناصری یافت میشوند که دوباره باین شیوه‌ها و شکردهای ناروا توسل میشوند. هر گاه که امپریالیسم ضرت خورد و وزخم دیده، با تمام فرومایگی و درندگی خود، در برابر انقلاب ایران قدم برمیکشد و غرب به مداخله آشکار و پنهان در امور داخلی ایران میپردازد و به تحریک و خرابکاری دست میبازد، این گروهها و عناصر، برای به میان کشیدن پای کشورهای سوسیالیستی، کلمه «شرق» را نیز، گوئی برای تکمیل وزن، به کلمه «غرب» می‌افزایند این گروهها و عناصر چنان عمل میکنند که گوئی میان «شرق» و «غرب»، یا کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی، در ارزیابی مبارزه مردم ایران و انقلاب ایران تفاوتی وجود نداشته و ندارد. آیا واقعا چنین است؟

مگر مردم ایران خود چشم ندیدند و با پوست و گوشت خود احساس نکردند که زمانیکه امپریالیسم، و بخصوص امپریالیسم آمریکا، با چنگ و دندان از رژیم شاه مخلوع دفاع میکرد، کشورهای سوسیالیستی، و بخصوص اتحاد شوروی، به پشتیبانی از مردم مبارز ایران برخاستند؟ مگر زمانیکه آمریکا نیروهای دریائی خود را بسوی سواحل جنوبی ایران گسیل میداشت، لئونید برژنف، با اختطاری قاطع، این امپریالیسم درنده را از مداخله در امور داخلی ایران بر حذر نمیکرد؟ و اکنون که انقلاب مردم ایران بساط رژیم شاه مخلوع را بر چیده و ضربات مهلك بر پیکر امپریالیسم وارد آورده است، این کدام کشور است که به تحریک و خرابکاری در ایران میپردازد و از ضد انقلاب پشتیبانی میکند؟ این «شرق» است یا «غرب»؟

هدف از این منطه چیست؟ نشان دادن «استقلال» در قبال

چه محافلی شاه مخلوع را به صحنه می‌آورند و هدفشان چیست؟

طی چند روز اخیر که شاه مخلوع، پس از اعمال فشار و توسیهای کارگزاران امپریالیسم آمریکا، مانند کیسینجر و راکفلر، و در نتیجه فشارهای دولت آمریکا جهت جلب موافقت دولت مکزیک، از باهاما به مکزیک مسافرت کرده است، محافلی امپریالیستی و مطبوعات وابسته به این محافل تلاشهای مصرانه‌ای بکار میبرند تا این مطلب را هر قدر ممکن است برجسته جلوه دهند و افکار عمومی را متوجه آن سازند.

تشکیل مصاحبه مطبوعاتی با حضور شصت نفر از خبرنگاران غربی با شاه مخلوع و ستوالات مطروحه در این مصاحبه از جانب خبرنگاران و پاسخهای شاه مخلوع همه تکرار بزرگ صحنه‌سازی سیاسی: تحریک آمیز است که بر نامه آن، با هدفهای مشخص، از جانب امپریالیسم آمریکا از پیش طرح نده است. این صحنه‌سازی بر زمینه و

در ارتباط با تشدید تلاشهای مذبحخانه نیروهای ضد انقلاب و عناصر بازمانده ساواک و طرفداران رژیم متغور سابق صورت میکشید. فعالیت ضد انقلاب در مناطق مختلف برای ایجاد اغتشاش، ناامنی، حملات مسلحانه به کمیته‌ها و پاسداران انقلاب از جمله حمله اخیر گروه مسلحی از عمال ساواک به زندان شوشتر برای ربودن یکی از همکاران خود، دستبردهای گروههای خرابکار پالیزبان و محرری در نواحی مرزی کردستان و کوششهای آنان برای اجیر کردن افراد خرابکار، فعالتهای پرویز کبابی معاون ساواک با همکاری سیا و سازمان جاسوسی موساد، در اسرائیل برای استخدام سازماندهی و آموزش آدمکشان حرفه‌ای بمنظور اعزام گروههای تروریستی و خرابکار به ایران، همه نمودار برنامه واحدیست که از جانب امپریالیسم

آمریکا تدوین شده است. هدف ازین برنامه امیدوار کردن عمال ساواک و بازمانده‌های رژیم سابق و همه نیروهای ضد انقلاب و تشویق و ترغیب آنان در اقدامات خرابکارانه و همچنین تضعیف مواضع رهبری انقلاب و روحیه انقلابی مردم است. خود نفس همس تشکیل مصاحبه مطبوعاتی و شرکت شصت نفر خبرنگار بزرگ شخص‌خیا نته پشه و خائنین که حکم اعدامش از جانب دادگاه انقلاب صادر و اعلام گردیده و نظر خواهی از او بعنوان «شخص مسؤل» درباره اوضاع کشور و آینده انقلاب و مردم ایران، انقلابی که رژیم سفاک و آدمکش وی را سرنگون ساخته است، از این نقشه شیطانی جدید پرده بر میدارد. حتی در پاره‌ای از مطبوعات غرب، از جمله هراکد تریبون، این جانی و همسر فاسدش را، که به اعدام محکوم هستند، هنوز «شاه» و «ملکه» مینامند و

به پیش و تبلیغ اظهار نظرهای آنها نمی‌پردازند. هدف از مجموع این اقدامات تحریک آمیز امپریالیسم آمریکا و مطبوعات وابسته به آن، امیدوار نگاهداشتن عناصر و گروههای ضد انقلابی و عمال ساواک و رژیم سابق است تا در فرصت مناسب، با استفاده از شرایط بفرنج این برهه از روند انقلاب، ضربت خود را وارد سازند.

شکفت‌انگیز اینکه، در بسیاری از مطبوعات کشورهای غربی، تحلیل و روشن ساختن هدف این صحنه‌سازی، و بجای نشان دادن پیوند آن در نقشه عمومی امپریالیسم آمریکا بر ضد انقلاب و به خطر انداختن دستاوردهای آن و تهدید استقلال و امنیت مهن ما، عین مطالبی را که در مطبوعات وابسته به امپریالیسم آمریکا منتشر میشود، به خورد خوانندگان میدهند. چنین برخوردی را در لحظات حساس کنونی حداقل نشانه عدم

پوشانده باشم!

کتابخانه «مردم» در حال تشکیل است منتظر کمک شما هستیم

دفتر «مردم» در کار تشکیل یک کتابخانه است تا بتواند تهیلات لازم را برای کار هیئت تحریریه فراهم آورد.

از اعضاء، هواداران و دوستداران حزب خواهشمندیم به تحقق این امر لازم و مفید کمک کنند.

لطفا کتابهای اهدائی را از هر نوع و با هر چاپ، به دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تعداد کتب اهدائی زیاد است، ننگ بزنید، دفتر «مردم» ترتیب حمل آنرا خواهد داد. با سپاس، «مردم»

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن، ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸